

بررسی رابطه میزان تحصیلات والدین و ابتلا به اختلالات یادگیری دانش آموزان مقطع ابتدایی ناحیه ی 64 شهرستان اصفهان

منصوره مطیع امرالله^۱، مرضیه مطیع امرالله^۲

چکیده

خانواده نهادی فرهنگی-اجتماعی می باشد که بخش اعظمی از شخصیت کودکان در آن شکل می گیرد. تحصیلات والدین، سرآغاز و زیربنای پیشرفت جریان زندگی خانواده و جامعه است. اهمیت تحصیلات به گونه ای است که در برقراری عدالت و دوری از تبعیض و اختلاف ناعادلانه و ناروا بین کودکان و ایجاد نزدیکی و صمیمیت واقعی و تعامل و گرمی روابط بین اعضا خانواده، بسیار مؤثر و سرنوشت ساز است. از طرفی اختلال یادگیری خاص یک اختلال عصبی رشدی است که با مشکلات پایدار در مهارت های آکادمیک یادگیری در خواندن، بیان نوشتاری و ریاضیات مشخص می شود. به علت اهمیت تحصیلات والدین و شیوع بالای اختلالات یادگیری و نقش غیرقابل انکار این دو در عملکرد تحصیلی دانش آموزان، هدف پژوهش حاضر این است که به بررسی رابطه ابتلا به اختلالات یادگیری و میزان تحصیلات والدین بپردازد. روش پژوهش زیر به گونه ای است که 100 نفر دانش آموز مبتلا به اختلال یادگیری به

^۱ . کارشناسی

^۲ . دانشجوی کارشناسی

صورت تصادفی از مراکز اختلالات یادگیری ناحیه 4 و 6 از نواحی شش گانه ی شهرستان اصفهان انتخاب شدند. سپس میزان تحصیلات والدین آنها مورد بررسی قرار گرفت. سپس داده های پژوهش در نرم افزار اس پی اس ورژن 22 مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد در میان والدین مادر 59/03 درصد دارای تحصیلات زیر دیپلم بودند. هم چنین در میان والدین پدر این رقم به 70/7 درصد می رسید. اما به دلیل اینکه سطح معناداری دو آزمون فی وکای اسکوآر بیشتر از 0/05 درصد بود، می توان نتیجه گرفت به طور مستقیم رابطه معناداری میان ابتلا به اختلالات یادگیری و سطح تحصیلات والدین وجود ندارد.

واژه های کلیدی: تحصیلات والدین، اختلالات یادگیری، عملکرد تحصیلی

مقدمه

باید دانست که بیش از 80 درصد شخصیت کودکان و نوجوانان در متن خانواده در کنار پدر و مادر شکل می گیرد و خانواده به عنوان اولین پایگاه تعلیم و تربیت و نخستین مدرسه کودکان می باشد و در پیشرفت تحصیلی فرزندان و آینده سازان نقش اساسی دارند. عوامل متعددی بر نگرش کودک از خود و اعضای خانواده ی خود مؤثر است، از آن جمله می توان به عوامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی حاکم بر خانواده اشاره کرد که ارتباط مستقیم با سطح سواد و تحصیلات خانواده دارد. دیدگاه سنتی که در رابطه با تعریف سواد وجود دارد، منظور از سواد را توانایی خواندن، نوشتن و محاسبه کردن بیان می کند. برخی صاحب نظران منظور از سواد را توانایی و آمادگی افراد برای مشارکت در سرنوشت خود و پیشرفت و توسعه ی جامعه می دانند و مهارت های خواندن و نوشتن و حساب کردن را فقط ابزاری برای رسیدن به اهداف فوق می دانند (میرجلیلی، 1385). شخص باسواد امکان سلامت اقتصادی و تصمیم گیری بیشتری دارد و چنین انسانی نسبت به خود و فکر و فرهنگ جامعه بصیرت بیشتری دارد (کریمیان، 87). سطح سواد والدین به عنوان یکی از مهم ترین عوامل اقتصادی-اجتماعی مؤثر بر عملکرد دانش آموزان در مدرسه، در بسیاری از کشورها به اثبات رسیده است (یانگ، 2003). هم چنین تحقیقات متعددی نشان می دهد که پیشرفت تحصیلی دانش آموزانی که والدین آنها افرادی آگاه و با سواد بوده اند، بیشتر بوده است. از طرفی یادگیری یکی از مهم ترین زمینه ها در روانشناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل ترین مفاهیم برای تعریف کردن است. در یکی از فرهنگ لغت ها، یادگیری اینگونه تعریف شده است: "کسب دانش، فهمیدن، تسلط یابی از راه تجربه یا مطالعه" اما دانشمندان تعریفی از یادگیری را ترجیح می دهند که به تغییر در رفتار مشاهده پذیر اشاره می کند. کیمبل یادگیری را به صورت تغییر نسبتاً پایدار در توان رفتاری (رفتار بالقوه) که در نتیجه تمرین تقویت شده رخ می دهد، تعریف کرده است (کیمبل، 1961). اخیراً توجه زیادی به دانش آموزانی که چالش هایی در یادگیری فعالیت های آموزشی دارند، متمرکز شده